

ذخیره سازی استراتژیک نفت

گفت و گو با غلامحسین حسن تاش

گروه نفت

از تعهدات خود شانه خالی نکنند و همیشه به میزان کافی و لازم ذخیره نفت وجود داشته باشد. در مورد حجم ذخیره سازی نیز روایت های مختلفی وجود دارد و باید اعتراف کنم متأسفانه هیچ گاه کار دقیقی روی آن انجام نشده است، اما بحث ذخیره ۹۰ روز واردات و ۶۰ روز مصرف مطرح است و در این معیار هم بین اعضا نظرات متفاوتی وجود دارد، زیرا بعضی از آنها مانند ژاپن صرفاً وارد کننده نفت هستند و بعضی هم خود تولید دارند و کسری مصرف را وارد می کنند، بنابراین برخی از کشورها کل مصرف و برخی دیگر کل واردات را ذخیره سازی می کنند.

در سال ۱۹۹۱ زمانی که عراق، کویت را اشغال کرد و امریکایی ها برای بازپس گیری کویت آماده جنگ می شدند حدود سه ماه طول کشید تا جنگ آغاز شود. در این مدت یکی از کارهایی که امریکایی ها انجام دادند افزایش ذخیره استراتژیک نفت خود از ۷۵۰ میلیون بشکه به یک میلیارد بشکه بود.

این اقدام آنها قیمت نفت را هم کمی بالا برد.

بله، قیمت نفت شروع به بالا رفتن کرد و خیلی ها هم که نمی دانستند داستان چیست، فکر کردند این افزایش مربوط به تب و تاب روانی جنگ است و فکر کردند وقتی هنوز که جنگ شروع نشده چنین است، با شروع جنگ قیمت نفت به شکل فوق العاده ای افزایش می یابد، اما آن افزایش قیمت ناشی از همین تقاضای ذخیره سازی جدید بود و زمانی که عملیات توفان صحرا شروع شد، امریکایی ها ذخیره اضافی را وارد بازار کردند و قیمت ها کاهش یافت و خیلی از کشورهایی که ذخیره سازی کرده بودند تا با قیمت های بالا نفت را بفروشد با

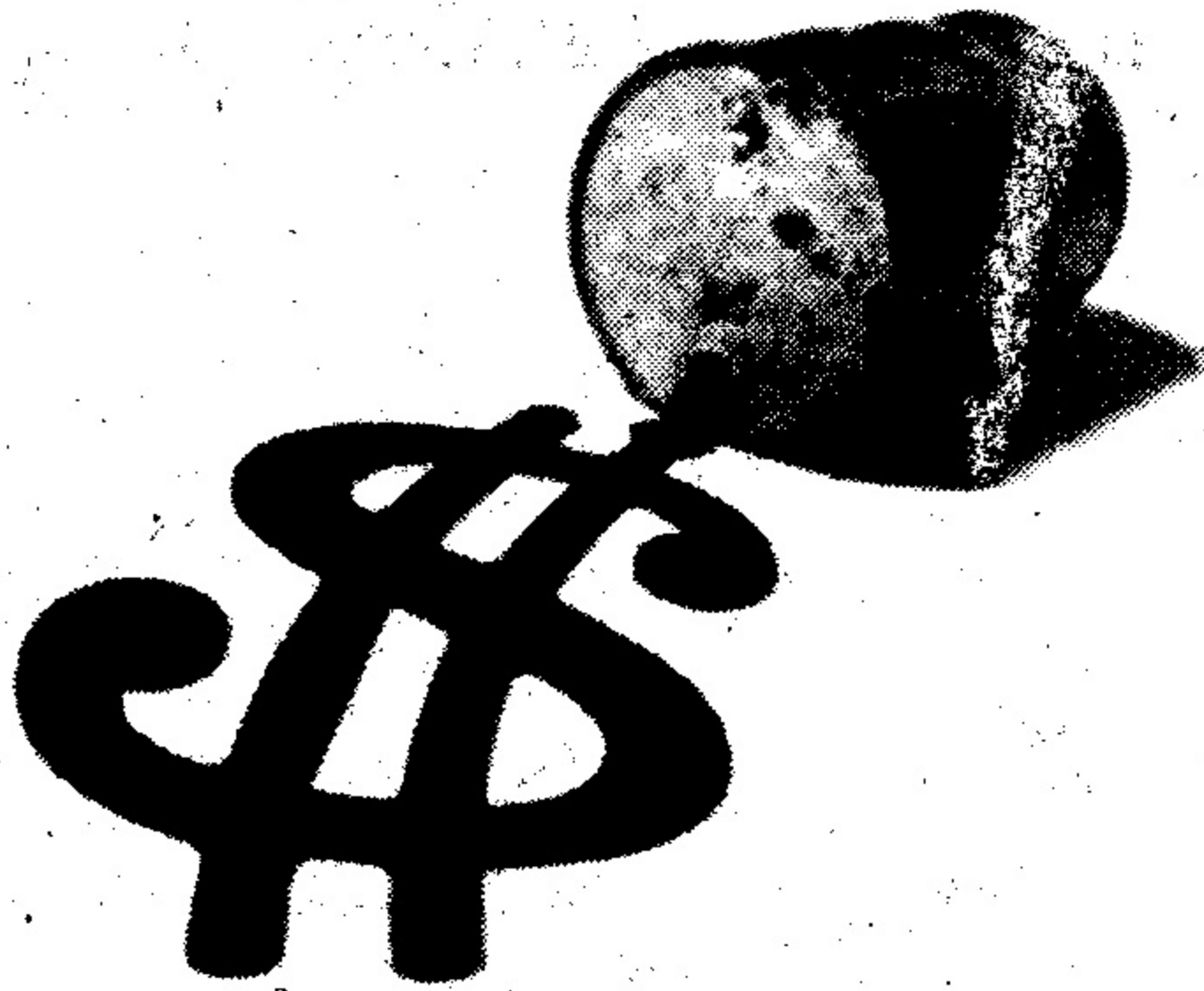


در سال ۱۹۹۱ زمانی که عراق، کویت را اشغال کرد و امریکایی ها برای بازپس گیری کویت آماده جنگ می شدند حدود سه ماه طول کشید تا جنگ آغاز شود. در این مدت یکی از کارهایی که امریکایی ها انجام دادند افزایش ذخیره استراتژیک نفت خود از ۷۵۰ میلیون بشکه به یک میلیارد بشکه بود. خیلی ها هم که نمی دانستند داستان چیست، فکر کردند این افزایش مربوط به تب و تاب روانی جنگ است

اخبار منتشره در نشریه های خارجی حاکی از آن است که ذخیره سازی استراتژیک نفتی کشورهای غربی از ۹۰ روز به ۱۲۵ روز افزایش یافته و این به غیر از ذخایر تجاری شرکت های بزرگ نفتی همچون بی پی، شل، توتال و... است که در اختیار دارند؛ آیا این امر بیاتگر برنامه های خطرناکی علیه ایران نیست؟

در مورد خبر افزایش میزان ذخایر استراتژیک نفتی اطلاعی ندارم، ولی درباره اصل ذخیره سازی به چند نکته اشاره می کنم. اصولاً ذخیره سازی با عنوان ذخایر استراتژیک نفتی (Strategic Petroleum Reserve) یا SPR از دهه ۱۹۷۰ به بعد شکل گرفت. کشورهای صنعتی برای جلوگیری از تکرار بحران نفتی ۱۹۷۳ و به عبارتی برای این که از یک سوراخ دوبار گزیده نشوند مبادرت به تأسیس آژانس بین المللی انرژی (IEA) کردند و در کنار مجموعه ای از سیاست های دیگر تصمیم گرفتند مقداری از نفت مورد نیاز خود را ذخیره کنند تا در روز مبادا از آن استفاده کنند. آژانس بین المللی انرژی، کمیته ای دارد که ذخیره سازی نفت در کشورهای عضو را کنترل می کند و علتش این است که کشورهای صنعتی هم در واقع گاهی اوقات از تعهدات خود تخلف می کنند، مثلاً زمانی که می بینند شرایط بین المللی آرام است (زیرا موجودی ذخایر استراتژیک مانند نگه داشتن پول در حساب جاری است و طبیعتاً هزینه دارد) نفت را برای آینده نامشخص می خرند و را کدنگ می دارند و هزینه انبارداری و نگهداری آن را هم می پردازند. تحمل این هزینه سخت است، از این رو کمیته مورد نظر در آژانس دائماً کنترل می کند که کشورهای عضو

توجه به روند کاهنده قیمت ها نگران شده و نفت خود را برای فروش عرضه کردند و بدین وسیله باعث افت بیشتر قیمت ها شدند، از جمله خود ما هم همین اشتباه را کردیم. این به خاطر این بود که مکانیزم ذخیره سازی را درست درک نکرده بودیم. به تازگی هم در جریان لیبی و توقف تولید نفت آن کشور، طرح آژانس بین المللی انرژی یعنی تزریق ۶۰ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک اعضا به بازار به اجرا درآمد.



تقاضا را پاسخ دهند، ولی در مدت چند سال گذشته تولید گاز به شدت افزایش یافت و آن چشم انداز اولیه به طور کل تغییر پیدا کرد، به طوری که حتی امریکا عرضه کننده LNG هم شد. حال که نفت لیبی وارد بازار می شود و نفت ایران هنوز در بازار وجود دارد به نظر می رسد قیمت کنونی غیر منتظره است، مگر این که همان پدیده افزایش ذخیره سازی اتفاق افتاده باشد تا در تابستان که فصل گرم است و تقاضا

من خبری را که شما در رابطه با افزایش مدت و میزان ذخیره سازی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD) گفتید نشنیدم و البته فکر هم نمی کنم که در این حد صحیح باشد، اما همواره در روزهای اخیر در ذهن من بود که چنین اتفاقی یعنی افزایش ذخایر، در حال وقوع است، زیرا در حالی که رشد اقتصادی جهان پایین است و غالب پیش بینی ها هم وضع سال ۲۰۱۲ را بدتر از ۲۰۱۱ می دانند و تجدید نظر و اصلاحاتی هم که صندوق بین المللی در ارزیابی های خود از وضع اقتصادی ارائه می دهد دائماً رو به پایین است و بر آورد خود از نرخ رشد اقتصادی دنیا را مرتب کاهش می دهد، طبیعی به نظر می رسد که به دلیل نرخ پایین رشد اقتصادی، تقاضا برای نفت پایین باشد. از سوی دیگر هم نفت لیبی که از بازار خارج شده بود دوباره وارد بازار شده است، از این رو قیمت ها نباید در این حد فعلی بالا باشد و این می تواند ناشی از افزایش تقاضا برای ذخیره سازی باشد.

■ میزان تولید نفت لیبی در حال حاضر چقدر است؟

□ رکورد تولید نفت لیبی یک میلیون و شصدهزار بشکه بود که حدود یک میلیون و سیصد و پنجاه تا یک میلیون و چهارصد هزار بشکه آن صادر می شد که در اثر درگیری های داخلی تقریباً به صفر رسید. اکنون میزان صادرات به بالای یک میلیون بشکه رسیده است و شاید علت این که تحریم های نفتی علیه ایران را تا جولای ۲۰۱۲ به تعویق انداختند همین مسئله باشد که تا آن زمان تولید نفت لیبی به رکورد پیشین خود بازگشت خواهد کرد.

همان طور که اشاره کردم با توجه به کاهش تقاضای جهان و بازگشت نفت لیبی به بازار،

وقتی هنوز که جنگ شروع نشده چنین است، با شروع جنگ قیمت نفت به شکل فوق العاده ای افزایش می یابد، اما آن افزایش قیمت ناشی از همین تقاضای ذخیره سازی جدید بود و زمانی که عملیات توفان صحرا شروع شد، امریکایی ها ذخیره اضافی را وارد بازار کردند و قیمت ها کاهش یافت و خیلی از کشورهای ذخیره سازی کرده بودند تا با قیمت های بالا نفت را بفروشند با توجه به روند کاهنده قیمت ها نگران شده و نفت خود را برای فروش عرضه کردند و بدین وسیله باعث افت بیشتر قیمت ها شدند

قیمت های کنونی نفت که از ۱۲۰ دلار هم بالاتر رفته مقداری غیر مترقبه است و عادی نیست. ممکن است گفته شود افزایش تقاضا به دلیل فصل زمستان و سرمای اروپاست، ولی باید توجه داشت که تقاضای زمستان بیشتر به بخش گاز فشار وارد می کند، زیرا مصرف حرارتی در اروپا بیشتر به گاز وابسته است و اکنون هم گاز در بازار جهانی با مازاد عرضه رو به روست و محموله های LNG بعضاً سرگردان است تا بازاری برای فروش آن پیدا شود. قرار بود امریکا متقاضی عمده LNG باشد و خیلی ها هم سرمایه گذاری کردند تا آن

کاهش می یابد و اعمال تحریم های نفتی ایران نیز در ماه جولای ۲۰۱۲ است، بتوانند با ذخیره سازی صورت گرفته وضعیت بازار را کنترل کنند.

اگر این امر به طور جدی صورت گرفته باشد متأسفانه احتمال گزینه جنگ نیز تا حدودی تقویت می شود. من با توضیحی که در رابطه با عرضه و تقاضا و قیمت های جاری مطرح کردم احتمال این را زیاد می دانم که ذخیره سازی صورت گرفته باشد.

خبری که به طور مشخص داریم این است که چینی ها از این فرصت به شدت استفاده کرده و با تخفیفی که از خرید نفت می گیرند ذخیره سازی خود را به شدت افزایش داده اند. البته چین عضو آژانس بین المللی انرژی نیست، ولی آژانس از چند سال پیش به چین فشار آورده و به دلیل اینکه وارد کننده ای بسیار بزرگ است، چین را موظف به ذخیره سازی کرده و آن کشور هم پذیرفته است.

توجه داشته باشید که ذخیره سازی استراتژیک تعهدی است که کشورهای عضو آژانس دارند، اما خود شرکت های نفتی هم ذخایر تجاری (Commercial) دارند که با توجه به شرایط بازار و پیش بینی قیمت های آتی نسبت به ذخیره نفت خود اعمال مدیریت می کنند.

■ آیا نهادی نیست که حساب و کتاب ذخایر تجاری شرکت ها را در دست داشته باشد؟

□ البته گاهی اوقات که شرایط حاد می شود دولت ها طی دستورالعمل های کاملاً محرمانه شرکت ها را هم مجبور می کنند ذخایر تجاری خود را افزایش دهند. این امر در دنیا سابقه دارد.

موضوعی که مایلم در اینجا اشاره کنم این است که مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی در وزارت نفت تشکیل شد تا دقیقاً این گونه رصدها و پایش ها را انجام دهد و این کار نیز قبلاً انجام

می شد. کارکنانی بودند که براساس شواهد و قراین همواره ذخیره سازی ها را رصد و ارزیابی می کردند و همان طور که شما یادآوری کردید در شرایطی که تهدید علیه کشور وجود دارد و بحث تحریم ها مطرح است این نوع اطلاعات از قبیل این که وضعیت ذخایر دنیا چگونه است؟ آیا ذخایر افزایش می یابد و یا کم می شود؟ آیا ذخایر موجود اجازه می دهد تا تحریم ها به طور جدی علیه ما اعمال شود؟ وضعیت عرضه و تقاضا چگونه است و در صورت حمله احتمالی علیه ما چه خواهد شد؟ برای ما بسیار مهم است. باید به طور جدی بگویم که متأسفانه در یکی دو سال گذشته بویژه در دوره مدیریت آقای میر کاظمی با توجه به مسئولیتی که به اداره مؤسسه مطالعات محول شد مؤسسه از مسیر اولیه خود خارج شد و از اهداف تأسیس آن فاصله گرفت. دیگر آن رصد کردن انجام نمی شود و نه تنها در مورد آمار ذخیره سازی، بلکه حتی در مورد مسائل مهم دیگری مثل این که مثلاً توان واقعی تولید نفت عربستان چقدر است نیز این کار به طور جدی دنبال نمی شود.

من بارها با توجه به موقعیت کشورمان در بازار نفت پیشنهاد کرده ام که یک بانک اطلاعاتی غنی از کل میادین نفت دنیا تهیه شود. حال ممکن است ابتدا آن را از جایی خرید، اما به روزرسانی می تواند توسط تیمی داخلی انجام شود، زیرا هر قراردادی که در دنیا بسته می شود اطلاعات و اخباری از آن منتشر می شود و با پیگیری مستمر می توان نتیجه آن قرارداد و تأثیری که در میزان تولید نفت خواهد داشت را دنبال کرد. حتی فراتر از این، پیشنهاد من این بود که ما باید بانک اطلاعاتی ای از پالایشگاه های دنیا داشته باشیم. پالایشگاه های جدیدی که ساخته می شود و تغییراتی که در فرایند پالایش آنها اتفاق می افتد همه و همه باید رصد شوند، زیرا همه این عوامل بر مسیر تقاضای نفت تأثیر گذارند. اینها کارهایی است که باید در کشور انجام شود و متأسفانه مؤسسه ای را هم که وظیفه آن گردآوری و پالایش این گونه اطلاعات بوده است به باور من از مسیر کاری خود خارج کرده اند.

■ **گویا مسئولان بالای ما هم اطلاع ندارند که این همه ذخیره سازی انجام گرفته است؟**

□ بسیاری درک درستی از ذخیره سازی ندارند، زیرا شما باید در یک روند تاریخی نفت بدانید که ذخیره سازی چیست و با چه

اهدافی انجام می شود و اینکه چرا نام آن را ذخایر استراتژیک گذاشته اند؟ باید این سوابق را دانست تا متوجه شد که ماجرا چیست و چرا افزایش ذخیره سازی استراتژیک نگران کننده است. بنابراین معتقدم اشراف و حسی که نسبت به این موارد باید باشد متأسفانه وجود ندارد.

■ **آیا برداشت از ذخایر استراتژیک به دستور عالی ترین مقام حکومتی صورت می گیرد؟**

□ بله، در امریکا به دستور رئیس جمهور است و معمولاً هم بسیار سخت اجازه برداشت از ذخایر داده می شود. مثلاً در توفان کاترینا که چند سال پیش اتفاق افتاد تولید نفت امریکا در خلیج مکزیک متوقف شد. در آن شرایط رئیس جمهور امریکا از ذخایر استراتژیک به شرکت های نفتی قرض داد تا پس از عادی شدن تولید آن را بر گردانند.

معمولاً سعی می کنند آمار و وضعیت ذخایر استراتژیک را تا حد امکان محرمانه نگاه دارند، زیرا موضوع ذخایر استراتژیک تیغ دولبه است، یعنی در شرایطی که برداشت از ذخایر صورت می گیرد تلقی مردم این می شود که روز مبادا

رشد اقتصادی جهان پایین است و غالب پیش بینی ها هم وضع سال ۲۰۱۲ را بدتر از ۲۰۱۱ می دانند و تجدیدنظر و اصلاحاتی هم که صندوق بین المللی در ارزیابی های خود از وضع اقتصادی ارائه می دهد دائماً رو به پایین است و بر آورد خود از نرخ رشد اقتصادی دنیا را مرتب کاهش می دهد، طبیعی به نظر می رسد که به دلیل نرخ پایین رشد اقتصادی، تقاضا برای نفت پایین باشد. از سوی دیگر هم نفت لیبی که از بازار خارج شده بود دوباره وارد بازار شده است، از این رو قیمت ها نباید در این حد فعلی بالا باشد و این می تواند ناشی از افزایش تقاضا برای ذخیره سازی باشد

فرار سیده و گاهی اوقات تقاضای ناشی از اثر روانی این برداشت در جهت عکس عمل می کند، یعنی از یک سو ذخایر را وارد بازار می کنند تا عرضه زیاد شود، اما اثر روانی آن مصرف کنندگان را نگران وجود بحران می کند و در عمل تقاضا به جای کاهش افزایش می یابد. بنابراین قدرت مانور غربی ها هم روی این ذخایر بالا نیست، اما در شرایط خاص از این ذخایر برداشت می کنند.

■ **آیا ایران نیز ذخیره سازی استراتژیک دارد؟**

□ خیر، ما ذخایر عملیاتی داریم. مثلاً در خارک اگر متوسط بارگیری ۲ تا ۳ میلیون بشکه باشد طبیعتاً گاهی اوقات به علت توفان و یا عدم ورود کشتی و... وقفه ای در کار حاصل می شود و برای جبران و حفظ متوسط، مقداری ذخیره سازی عملیاتی انجام می گیرد، اما به آن معنا ذخیره سازی استراتژیک نداریم.

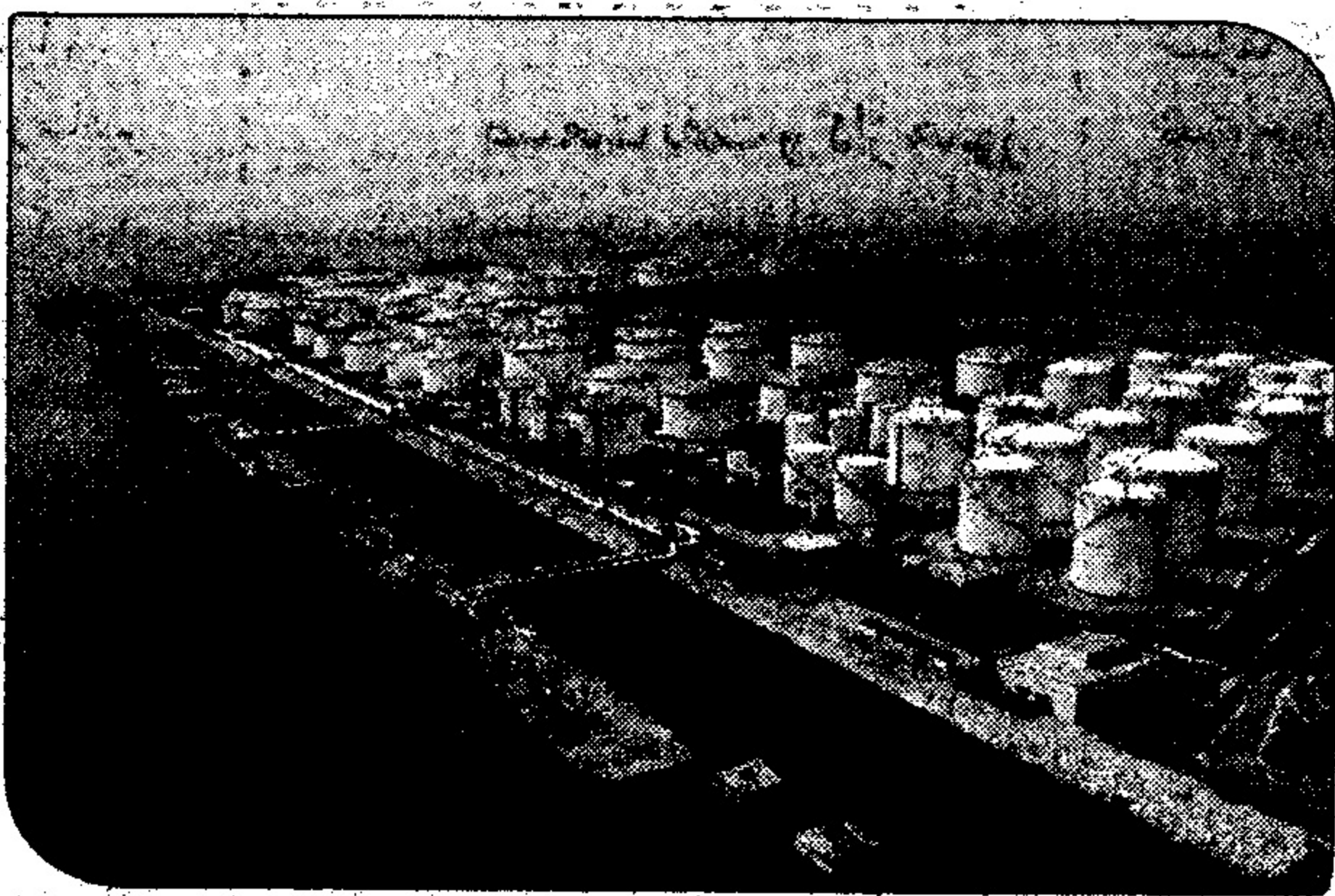
■ **ارزیابی شما از تحریم های نفتی علیه ایران چیست؟**

□ من در مهر ماه ۱۳۹۰ در یادداشتی نوشتم که متناسب با تغییر اوضاع در لیبی و بازگشت نفت آن به بازار، به احتمال زیاد تحریم های نفتی علیه ایران فعال خواهد شد. البته این مهم است که متوجه باشیم هسته اصلی تحریم ها علیه ایران تحریم های بین المللی بانکی است. این تحریم ها باعث می شوند نتوانیم به پول نفتی که می فروشیم آنچنان که باید و شاید دست یابیم و تحریم های نفتی اروپا هم از همین جهت مهم است، زیرا با تغییر بازار فروش نفت از اروپا به هند و چین و کشورهای دیگری از این دست، دیگر نمی توانیم در مقابل فروش نفت به ارز قوی ای مانند یورو و دلار دست یابیم، زیرا هیچ بانکی حاضر به نقل و انتقال ارز برای ما نیست. اما زمانی که اروپا از ما نفت می خرد مجبور است یورو که ارزی قوی و رایج است بدهد. من فکر می کنم تحریم نفتی اروپا مکمل همین تحریم های بانکی است و سبب می شود که بازار فروش نفت محدود به چین و هند و... شود، چون به نظر می رسد که شاید امریکایی ها هم نخواهند فروش نفت ما به کلی از بازار حذف شود، بلکه می خواهند آن را به صورت کنترل شده به جهتی هدایت کنند که پس از فروش نفت هم نتوانیم پول آن را به دست آوریم.

■ **آیا این روند در نهایت به نفع دریاورد غذا نخواهد انجامید؟**

□ روند حتی بدتر از آن است، چون آن زمان

که عراق تحریم تحت کنترل سازمان ملل بود و وصول نفتی که فروخته می شد به حساب های سازمان ملل واریز می شد و سازمان کنترل می کرد که آن پول صرف غذا و دارو بشود، ولی اکنون محور فشارها متمرکز بر نقل و انتقال های بانکی است که عملاً گریبان همه صنایع حتی دارو و غذا را هم می گیرد که بدتر از نفت در برابر غذاست. به تازگی شاید مطلع شده



مشکل اصلی مشکل مدیریتی و روشن نبودن برنامه هاست. اکنون می بینیم قراردادهای مختلفی در مورد برخی میادین بسته می شود که انسان واقعا تعجب می کند که اینها چه اولویتی دارند؟ در مورد میادین مستقلی مانند زاغه که نفت آن تقریباً فوق سنگین است و میدان کوچکی هم است، یا میدان چنگوله و...، اگر شرکتی وجود دارد که می تواند در این میدان ها سرمایه گذاری کند

چرا روی میادین مشترک کار نکنند؟ البته این در صورتی است که شرکت توانایی داشته باشد، اگر فاقد توانایی باشد که اصلاً قرارداد بدون هیچ دلیل و توجیهی بسته شده است. متأسفانه وزیر از ابتدا مناقصه را کنار گذاشت، به نظر من این مناقصه قابل دفاع است و من یادداشتی در این باره نوشتم. مناقصه یک ضابطه است و تعیین می کند که طرف شما آیا توانایی ارائه ضمانتنامه دارد، سابقه اش چیست و... وقتی شما این ضابطه را برمی دارید هر کس ادعای توانایی در پروژه های صنعت نفت را خواهد داشت.

در قراردادهایی هم که با شرکت های توانمند بسته می شود باز شاهدیم که اولویت ها بعضاً در نظر گرفته نمی شود، مثلاً شرکت مینا که یک شرکت قوی است، ولی کارش توربین سازی است به تازگی قرارداد بزرگی برای توسعه میدان گاز به نام فروز امضا کرده، در حالی که هنوز بسیاری از کارهای پارس جنوبی بر زمین مانده است. اگر مینا یا هر شرکت دیگری توانایی کار در دریا را دارد، چرا آن را به پارس جنوبی نمی برند؟ درست است که برای همه فازهای پارس جنوبی تفاهم نامه امضا کرده اند، ولی اینها که واقعا عملیاتی نشده است. شرکتی توانا مانند مینا می تواند با پیمانکار پارس جنوبی کنسرسيوم تشکیل دهد و یا به عنوان پیمانکار دست دوم پروژه ها وارد کار شود. در نهایت باید توجه داشت در شرایط تحریم، توانایی و بضاعت مدیریتی و تأمین کالا و کنترلی و نظارت مجموعه، محدود است و باید صرف اولویت ها شود.

از این بحث می خواهم نتیجه بگیرم که صنعت نفت و گاز هنوز در عمل اولویت های خود را مشخص نکرده و دچار نوعی سرگردانی است. در شرایط کنونی معتقدم کار توسعه در میادین مستقل را اصولاً به طور کلی باید کنار

هر قراردادی که در دنیا بسته می شود اطلاعات و اخباری از آن منتشر می شود و با پیگیری مستمر می توان نتیجه آن قرارداد و تأثیری که در میزان تولید نفت خواهد داشت را دنبال کرد. ما باید بانک اطلاعاتی ای از پالایشگاه های دنیا داشته باشیم. پالایشگاه های جدیدی که ساخته می شود و تغییراتی که در فرایند پالایش آنها اتفاق می افتد همه و همه باید رصد شوند، زیرا همه این عوامل بر مسیر تقاضای نفت تأثیر گذارند

زیرا به شدت شروع به فعالیت و کار کرده اند. همان طور که گفتید در لایه گازی پارس جنوبی که مهمترین حوزه مشترک ماست از نظر تجمعی، قطری ها تاکنون بیش از سه برابر ما برداشت کرده اند و در حال حاضر هم دو برابر ما تولید دارند. به تازگی معادل تولید دو فاز پارس جنوبی را به بهره برداری رساندند، اما چون گاز این دو فاز به GTL (Gasto Liquid) تبدیل می شود به همین دلیل خیلی متوجه برداشت گاز آن دو فاز نشدیم. در مورد لایه نفتی هم وضع خیلی بدتر است، سال گذشته تولید قطر از لایه پارس جنوبی ۴۵۰ هزار بشکه در روز بود و سال جاری به ۵۰۰ هزار بشکه رسیده است. فکر می کنم با این روند تا ما بخواهیم به آن میدان برسیم نفت آن به اتمام رسیده باشد. من کماکان معتقدم

باشید که بیش از ۲۰ کشتی غلات که به بنادر ما آمده بودند بیش از دو ماه نمی توانستند بار خود را تخلیه کنند، زیرا محدودیت جابه جایی ارز توسط بانک ها مانع از پرداخت وجه آنان می شد تا فروشنده اجازه تخلیه بدهد.

من معتقدم باید در برابر این گونه اقدام های خصمانه پیگیری های حقوقی انجام دهیم. هیلاری کلینتون گفته منادر مورد نیازهای دارویی و غذایی مردم ایران نمی خواهیم به ایران فشار آوریم، ولی می بینیم تحریم های بانکی در همان زمینه ها فشار وارد می کند.

دارو که مشمول تحریم نیست.

دارو را به ما می دهند، ولی پولش را نمی توانیم پرداخت کنیم، یعنی فروشنده به علت تحریم نیست که به ما دارو نمی دهد، بلکه عدم تحویل دارو به واسطه عدم توانایی پرداخت پول از سوی ماست.

در ارتباط با بحث مخازن نفتی مشترک در آخرین شماره نشریه اقتصاد انرژی به نقل از آقای حسینی سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس آمده که از کل ۲۶ مخزن مشترک حدود ۲۹۰ هزار بشکه نفت در روز و ۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز استخراج می شود، در حالی که اگر سرمایه گذاری لازم صورت گیرد و از این مخازن به صورت درست بهره برداری شود می توان ۳۲۲ میلیون بشکه نفت در روز و حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب گاز استحصال نمود. پرسش این است که وقتی همه رقبا به شدت مشغول بهره برداری هستند به چه دلیل چنین پتانسیل عظیمی از سوی ما مغفول مانده است؟

موضوع مخازن مشترک حدیث مکرری است که باید مثل همیشه اظهار تأسف کرد. ما تقریباً در تمامی میادین مشترک از رقبای عقب هستیم، غیر از عراق که سال ها درگیر جنگ بود و به زودی از آن هم عقب خواهیم افتاد،

بگذاریم و تازمانی که تحریم هستیم فقط باید:
۱- صرفاً به توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک پردازیم.

۲- در میادین مشترک هم اولویت بندی کنیم، آن هم متناسب با این که رقیب ما چه میزان از میدان بهره‌برداری می‌کند.

ممکن است جایی رقیب روی مخزن کار نکند، ما هم اگر کاری انجام ندهیم عقب نخواهیم افتاد، ولی به محض این که رقیب شروع به کار کرد ما هم باید برنامه‌های خود را فعال کنیم. مثلاً در میادین مشترک با عراق سال‌های سال به دلیل جنگ و اشغال عراق، کاری از سوی آنها صورت نمی‌گرفت، ولی اکنون شرکت‌های خارجی مشغول به کار شده‌اند و بیشترین تمرکز را هم نزدیک مرز ما دارند. ما هم طبیعتاً باید تکلیف میادین آزادگان، یادآوران و... را مشخص کنیم.

بعضی‌ها مدعی‌اند به دلیل عدم حضور شرکت‌های بین‌المللی و سوءمدیریت و کار نابلدی شرکت‌ها، هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای تولید یک بشکه اضافی نفت چندین برابر یعنی هفت تا ده برابر قراردادهایی است که پیش از این برای افزایش تولید بسته می‌شد، آیا به نظر شما این امر واقعیت دارد؟

البته در نظر داشته باشید که در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۴ که قیمت جهانی نفت خیلی بالا رفت و در بعضی مقاطع هر بشکه به ۱۴۷ دلار هم رسید. هزینه‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به شدت افزایش یافت و پایین هم نیامد، مثلاً یک پروژه LNG را که توالت آن زمان ۲/۲ میلیارد دلار قیمت داده بود،

صنعت نفت و گاز هنوز در عمل اولویت‌های خود را مشخص نکرده و دچار نوعی سرگردانی است. در شرایط کنونی معتقدم کار توسعه در میادین مستقل را اصولاً به طور کلی باید کنار بگذاریم و تازمانی که تحریم هستیم فقط باید: ۱- صرفاً به توسعه و بهره‌برداری از میادین مشترک پردازیم. ۲- در میادین مشترک هم اولویت بندی کنیم، آن هم متناسب با این که رقیب ما چه میزان از میدان بهره‌برداری می‌کند

پس از بحران ۲۰۰۴ که قیمت را اصلاح کرد تا ۱۱/۸ میلیارد دلار و شاید حتی بیشتر افزایش یافت، یعنی حدود چهار برابر قیمت اولیه.

مسئله دیگر مسلط نبودن شرکت‌هایی است که به کار گرفته می‌شوند و همچنین کمبود سابقه و تجربه آنها و ضعف قدرت دستیابی شان به تجهیزات و...، که طبعاً می‌تواند در افزایش قیمت پروژه‌ها تأثیر گذار باشد.

اما موضوع مهم‌تر در این رابطه این است که یک مسابقه‌ای از پیش شروع شده و ناخواسته تمام وزیران نفت در این مسابقه درگیر شده‌اند، آن هم مسابقه قرارداد بستن است که به نظر من

مسابقه کاذبی است و گرفتاری به دست صنعت نفت خواهد داد، یعنی به هر قیمتی می‌خواهند بگویند مثلاً ۴۰ میلیارد دلار قرارداد یا تفاهم‌نامه امضا کردیم. در این مسابقه به ناچار شرکت‌هایی وارد می‌شوند که از سابقه و تجربه چندانی برخوردار نیستند. طبیعتاً اینها موفق نخواهند بود و پروژه‌ها عملاً زخمی می‌شوند. اشکال این کار این است که اگر یک روز بخواهید برگردید دیگر به این آسانی نیست. فرض کنید مشکلات کشور حل شد و تحریم هم برداشته شد؛ درباره یک میدان نفتی که دست نخورده به راحتی می‌توانید تصمیم بگیرید و قرارداد توسعه آن را امضا کنید، ولی تصمیم‌گیری در مورد میدانی که چند ذینفع پیدا کرده و یک پرونده پیچیده و نیمه‌کاره قرارداد و حقوقی دارد و برگرداندن آن بر روی ریل، مدت‌ها کار خواهد داشت، این کار امکان‌پذیر نیست. مثلاً میدان آزادگان متأسفانه چنین وضعیتی پیدا کرده، ژاپنی‌ها آمدند و رفتند و هنوز تسویه حساب و تعیین تکلیف نشده. پترو ایران وارد شد، سپس مناطق نفت‌خیز هم داخل کار شده و همه اینها هم نه بر اساس یک قرارداد روشن و محکم، بلکه با چند نامه نگاری انجام شده و این قدر ذینفع و طلبکار در این میدان پیدا شده که اگر یک روزی قوی‌ترین شرکت‌های دنیا هم بیایند و اعلام آمادگی برای قرارداد توسعه کنند باید دو سال تلاش کرد تا گره‌های موجود باز شود و با ذینفع‌ها تسویه حساب شود. اینها به نظر من تصمیم‌های مدیریتی نادرستی بوده که گرفته شده و من واقعاً نگران این مسئله هستم.

دیدگاه‌هایی از کارشناس نفت

● استاندارد ذخیره‌سازی استراتژیک نفت در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) معادل ۹۰ روز مصرف بوده است. به تازگی این عدد به ۱۲۰ روز ذخیره‌سازی افزایش یافته، در تمام دوران هشت ساله ریاست جمهوری آقای خاتمی این عدد از ۸۴-۸۵ روز بیشتر نشده، حتی در اوج جنگ عراق و اشغال کویت به ۹۰ روز نرسید. به نظر می‌رسد افزایش ناگهانی ۳۰ روزه، معنایی جز آمادگی برای جنگ ندارد، یعنی بازار را از نظر روانی مطمئن سازند که هیچ کمبودی نخواهد بود. قابل توجه است که بورس نسبت به میزان ذخیره‌سازی بسیار حساس است و در برابر افزایش یا کاهش یک روزه ذخایر واکنش نشان می‌دهد.

● امریکا و غرب جلوی عرضه فیزیکی نفت ایران را نخواهند گرفت، بلکه با اهرم‌های تحریم بانکی مانع از نقل و انتقالات پول دریافتی می‌شوند. ضمن این که بازارهای فروش ما محدودتر خواهد شد و به ناچار

در فروش هم باید تخفیف بیشتری داده شود، پس دلیلی ندارد که با حذف فیزیکی نفت ایران از بازار، غرب برای خود بحران آفرینی کند، بلکه با این شیوه تحریم بانکی حداکثر فشار به ما وارد می‌شود و حداقل تنش در بازار نفت به وجود خواهد آمد.

● هر کشوری که در تأمین امنیت انرژی دنیا مشارکت کند برای خود امنیت و توسعه خرید و هر کس که امنیت انرژی دنیا را به خطر اندازد در بالاترین حد ممکن، امنیت ملی خودش را به خطر انداخته است.

● آنچه امروز در دنیا مهم است عرضه مداوم و پایدار نفت است. قیمت آنچنان مهم نیست.

● گران‌ترین طرح توسعه میادین نفتی مربوط به قرارداد توسعه میادین دریایی سروش و نوروز با شرکت شل بوده است که هزینه تمام شده هر بشکه اضافی هفت هزار دلار محاسبه شده، متأسفانه اکنون پیمانکاران برای توسعه میدانی دز خشکی بعضاً بشکه‌ای ۱۰۰ هزار دلار قیمت می‌دهند.